





دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی عنصر گفت وگو در گلستان سعدی

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر بیژن ظهیری

توسط:

مرضیه هرمزدی

دانشگاه محقق اردبیلی

تابستان ۱۳۹۰



بررسی عنصر گفت‌وگو در گلستان سعدی

توسط:

مرضیه هرمزدی

پایان‌نامه برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل - ایران

ازریابی و تصویب شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه
دکتر ابراهیم رنجبر (استاد راهنما و رئیس کمیته) استادیار
دکتر رامین محرمی (داور داخلی) استادیار
دکتر بیژن ظهیری (استاد مشاور) استادیار

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به
مادرم که
یک حرف و
دو حرف
بر زبانم
الفاظ نهاد و
گفتن آموخت
و داستان مهربان پدرم

سپاسگزاری

اینک که این رساله با لطف و عنایت الهی به اتمام رسید، پس از سپاس بیکران به درگاه خداوند منان، بر خود فرض می‌دانم از زحمات بی‌دریغ و نکته‌سنجی‌های ارزنده‌ی استاد فاضل و گرانقدر، جناب آقای دکتر ابراهیم رنجبر که در این راه دشوار و پرنشیب و فراز از دریای علم و گنجینه‌ی اندوخته‌هایشان بهره‌مند بوده‌ام، بی‌نهایت سپاسگزاری نمایم. همچنین از جناب آقای دکتر ظهیری، استاد مشاورم، تشکر می‌کنم.

از پدر و مادرم که صبورانه، حامی و امیدبخش تمام دقایقم بودند؛ برادرانم (محب و مجتبی) و خواهر عزیزم سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم.

در پایان از تمام دوستان خوبم که در مراحل مختلف این رساله یاریگرم بودند صمیمانه تشکر می‌کنم.

مرضیه هرمزدی

شهریور ۱۳۹۰

نام: مرضیه	نام خانوادگی دانشجو: هرمزدی
عنوان پایان نامه: بررسی عنصر گفت‌وگو در گلستان سعدی	
<p style="text-align: right;">استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر</p> <p style="text-align: right;">استاد مشاور: دکتر بیژن ظهیری</p>	
<p>مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد</p> <p>دانشکده: ادبیات و علوم انسانی</p>	<p>رشته: زبان و ادبیات فارسی</p> <p>تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۰/۶/۶</p> <p>دانشگاه: محقق اردبیلی</p> <p>تعداد صفحه: ۱۴۶</p>
<p>چکیده: گلستان سعدی یکی از برجسته‌ترین آثار منثور کلاسیک فارسی است. یکی از ویژگی‌های بارز آن، وجود جنبه‌ی داستان‌پردازی در حکایات آن است. سعدی این حکایات را متناسب با مقاصد خود و خصوصاً برای بیان تجربیات، تعالیم اخلاقی، نکته‌های حکمی، اجتماعی و ... به کار گرفته است. سادگی زبان در نقل حکایات با استفاده از گفت‌وگو باعث جذابیت فضای داستان‌ها شده است. گفت‌وگو کارکرد مهمی در معرفی شخصیت‌ها و حوادث دارد؛ از این حیث به عنوان یک عنصر داستانی قابل بررسی است. در پژوهش حاضر حکایات واجد گفت‌وگو بررسی شده‌اند. بنابراین ابتدا تعریف گفت‌وگو، اهمیت، انواع، چگونگی و سایر جزئیات آن را ذکر کرده‌ایم و آن‌گاه این عنصر را در سطح حکایات به لحاظ بسامد ذکر اوصاف اقشار، در گلستان بررسی کرده‌ایم. در پایان هر مبحث، نتیجه‌گیری کوتاهی از تحلیل گفت‌وگوهای هر قشر یا طبقه ارائه کرده‌ایم و در نهایت یک نتیجه‌گیری کلی از بررسی این عنصر در مجموع حکایات گلستان آورده‌ایم. نتیجه‌ای که از این بررسی گرفته‌ایم این است که سعدی در موارد زیادی از زبان شخصیت‌ها سخن می‌گوید؛ به همین دلیل گفت‌وگوها در گلستان در چنین مواردی تأثیری در شخصیت‌پردازی ندارد. شخصیت‌های داستانی حکایات عمدتاً با لحن مشترک سخن می‌گویند، در واقع با لحنی و در فضایی سخن می‌گویند که راوی اراده می‌کند. البته باید گفت حضور نویسنده همواره به این معنی نیست که او کاملاً در بیان ذهنیات و افکار شخصیت‌ها مداخله می‌کند، بلکه به این معنی است که راوی بیشتر نقش بازگوکننده‌ی افکار شخصیت‌ها را ایفا می‌کند و حضور وی به معنی دخالت بالقوه و پیوسته‌ی وی در افکار و ذهنیات شخصیت‌ها نیست.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول - کلیات
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- تعریف مسأله و فرضیات
۴	۳-۱- سؤالات تحقیق
۴	۴-۱- هدف و ضرورت تحقیق
۵	۱-۴-۱- اهداف تحقیق
۵	۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق
فصل دوم- روش تحقیق	
۸	۲- تعاریف، مواد و روش تحقیق
۹	۱-۲- داستان
۹	۲-۲- قصه
۹	۳-۲- داستان کوتاه
۱۰	۴-۲- حکایت
۱۱	۵-۲- تفاوت قصه و داستان
۱۲	۶-۲- گفت‌وگو
۱۲	۱-۶-۲- تعریف گفت‌وگو
۱۳	۲-۶-۲- گفت‌وگو در قصه‌ها و حکایات کهن
۱۴	۳-۶-۲- شرایط گفت‌وگو
۱۴	۴-۶-۲- شیوه‌های گفت‌وگو
۱۵	۵-۶-۲- وظایف و چگونگی گفت‌وگو
۱۵	۶-۶-۲- کارکردهای گفت‌وگو در آثار معاصر
۱۶	۷-۶-۲- اهمیت گفت‌وگو
۱۷	۸-۶-۲- گفت‌وگو در داستان کوتاه و رمان
۱۷	۹-۶-۲- وظایف عمده‌ی گفت‌وگو در داستان کوتاه و رمان
۱۷	۱۰-۶-۲- شروط اساسی گفت‌وگو
۱۸	۱۱-۶-۲- ویژگی‌های یک گفت‌وگوی خوب

۱۸	۷-۲- نشان دادن و گفتن
۱۹	۸-۲- انواع گفت‌وگو
۱۹	۱-۸-۲- ویژگی‌های زبانی انواع گفت‌وگو
۱۹	۲-۸-۲- گفتار مستقیم
۱۹	۳-۸-۲- گفتار غیرمستقیم
۲۰	۴-۸-۲- گفتار غیرمستقیم آزاد
۲۰	۵-۸-۲- سخن روایت‌شده
۲۰	۶-۸-۲- گفت‌وگوی دوطرفه یا چندطرفه
۲۰	۷-۸-۲- گفت‌وگوی یک‌طرفه
۲۰	۸-۸-۲- سؤال و جواب
۲۱	۹-۲- شیوه‌های گفت‌وگوی درونی
۲۱	۱-۹-۲- تک‌گویی
۲۱	۲-۹-۲- تک‌گویی درونی
۲۲	۳-۹-۲- تک‌گویی درونی مستقیم
۲۲	۴-۹-۲- تک‌گویی درونی غیرمستقیم
۲۲	۵-۹-۲- جریان سیال ذهن
۲۳	۶-۹-۲- شیوه‌ی مختلط
۲۳	۷-۹-۲- حدیث نفس
۲۳	۸-۹-۲- تک‌گویی نمایشی
۲۴	۱۰-۲- روایت
۲۴	۱۱-۲- شخصیت
۲۵	۱-۱۱-۲- انواع شخصیت‌های داستانی
۲۵	۱۲-۲- شخصیت‌پردازی
۲۶	۱-۱۲-۲- شخصیت‌پردازی در حکایات و آثار کهن
۲۶	۱۳-۲- ملاحظاتی در باب داستان‌های کهن
۲۷	۱۴-۲- زاویه‌ی دید یا نظرگاه
۲۸	۱-۱۴-۲- زاویه‌ی دید در داستان‌های کهن
۲۸	۱۵-۲- روش اجرای طرح
۲۹	فصل سوم- نتایج
۳۰	۱-۳- نتیجه‌گیری

فصل چهارم- بحث	۳۲
۴-۱-۱- اهل معرفت	۳۳
۴-۱-۱-۱- وارستگی از تعلقات	۳۶
۴-۱-۲- صبوری و قانع بودن	۴۲
۴-۱-۳- بصیرت	۴۶
۴-۱-۴- پند و نصیحت‌گویی	۴۹
۴-۱-۵- خوف و رجا	۵۲
۴-۱-۶- تهور و بی‌باکی	۵۴
۴-۱-۷- زیرکی و هوشمندی	۵۶
۴-۱-۸- نیک‌اندیشی	۵۷
۴-۱-۹- قدرشناسی	۵۸
۴-۱-۱۰- مقامات عرفانی	۵۸
۴-۱-۱۱- وابستگی به تعلقات دنیوی	۵۹
۴-۱-۱۲- اصرار برای رسیدن به هدف	۶۳
۴-۱-۱۳- انتقام‌جویی	۶۴
۴-۱-۱۴- ریا	۶۴
۴-۲- پادشاهان	۶۸
۴-۲-۱- بخشندگی و سخاوت	۷۰
۴-۲-۲- میل به مصاحبت با اهل معرفت	۷۲
۴-۲-۳- عدل و انصاف	۷۴
۴-۲-۴- آینده‌نگری	۷۶
۴-۲-۵- اعتقاد به تأثیر اجابت دعا	۷۹
۴-۲-۶- عفو و گذشت	۸۰
۴-۲-۷- میل به مصاحبت حکما	۸۰
۴-۲-۸- حمایت از رعیت	۸۱
۴-۲-۹- استدلال‌پذیری	۸۱
۴-۲-۱۰- رأفت و عطوفت	۸۳
۴-۲-۱۱- خشم و ستمگری	۸۳
۴-۲-۱۲- بی‌ثباتی و سست‌عنصری	۸۷
۴-۲-۱۳- رفاه‌طلبی	۸۸

۱۴-۲-۴	حرص و دنیا دوستی	۸۹
۳-۴	وزیران	۹۰
۱-۳-۴	حکمت و فرزانیگی	۹۲
۲-۳-۴	مصلحت اندیشی و نیک سرشتی	۹۶
۳-۳-۴	اطاعت از شاهان	۹۷
۴-۳-۴	فراست	۹۸
۵-۳-۴	تدبیر و حزم	۹۸
۶-۳-۴	آینده نگری	۹۸
۷-۳-۴	حسابرسی و جامعه شناسی	۹۹
۸-۳-۴	وفاداری و اعتقاد به تقدیر	۹۹
۹-۳-۴	امین و قابل اعتماد بودن	۱۰۰
۱۰-۳-۴	بداندیشی و ظلم	۱۰۰
۱۱-۳-۴	کینه توزی	۱۰۲
۱۲-۳-۴	تکبر	۱۰۲
۴-۴	علما	۱۰۴
۱-۴-۴	حزم و دوران دیشی	۱۰۵
۲-۴-۴	زیرکی و هوشمندی	۱۰۷
۳-۴-۴	علم و تدبیر	۱۰۹
۴-۴-۴	شکیبایی	۱۱۰
۵-۴-۴	سوءظن و بدبینی	۱۱۱
۶-۴-۴	لثامت و کوتاهی همت	۱۱۲
۵-۴	معلمان	۱۱۳
۱-۵-۴	فرزانیگی و خردمندی	۱۱۴
۲-۵-۴	درک حقیقت عشق	۱۱۵
۳-۵-۴	درک حقیقت و فلسفه ی زندگی	۱۱۶
۶-۴	شاهزادگان	۱۱۷
۱-۶-۴	خردمندی و شجاعت	۱۱۸
۲-۶-۴	سختی	۱۲۰
۳-۶-۴	دوستداری کسب علم	۱۲۰
۴-۶-۴	غرور حاصل از مال فراوان	۱۲۱
۷-۴	قاضیان	۱۲۲

۱۲۳.....	۴-۷-۱- عدالت و انصاف
۱۲۴	۴-۷-۲- احتیال و تملق
۱۲۶.....	۴-۸-۸- بازرگانان
۱۲۶.....	۴-۸-۱- زیرکی و احتیاط
۱۲۷.....	۴-۸-۲- طمع‌ورزی
۱۲۹	فهرست منابع
	چکیده انگلیسی
	فرم ارزیابی به زبان انگلیسی
	فهرست نمودار
۴۳	۳-۱- نمودار میزان کاربرد اقشار و طبقات مختلف در گلستان

فصل اول

کلیّات

۱-۱- مقدمه

سعدی، استاد سخن و یکه‌تاز عرصه‌ی نثر مسجع، از شاعرانی است که کلمه‌ی بزرگ در توصیف او کوچک است. او جزو بارزترین شخصیت‌های فرهنگی ایران است. معارف سعدی گوناگون است و بی‌شک قسمت اعظم این معارف را فرهنگ گسترده‌ی اسلامی تشکیل می‌دهد که بر صفحه‌ی پذیرای ذهن او نقش بسته و با سرشت متعالی و هنرپذیر و هنرپرداز او درهم آمیخته است.

ادبیات هر جامعه، آینه‌ی تمام‌نمای اندیشه، زبان، فرهنگ، ظرایف رفتار، احساس حتی وجوه زیباشناختی آن در طول تاریخ است. در واقع ادبیات، بازتاب تاریخ، تمدن، دانش، آرمان، اندیشه و فرهنگ گذشته و امروز است. انسان در خلأ زندگی نمی‌کند و خواه ناخواه با دیگران در ارتباط است. در ارتباط بین افراد سخن و دیالوگ، مقام و جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا هر نوع ارتباط به وسیله‌ی سخن انجام می‌گیرد؛ به همین دلیل گفت‌وگو از جلوه‌های اساسی و مهم زندگی اجتماعی است که با حیات بشر آغاز شده است و بشر در مرحله‌ی آغازین حیات خود نیاز به گفت‌وگو را احساس نموده و همزمان با نیاز به زندگی اجتماعی، نیاز به گفت‌وگو هم بیشتر نمود پیدا کرده است، تا جایی که بشر دریافت، حیات اجتماعی، بدون درک گفت‌وگو ممکن نیست؛ از این رو به تدریج گفت‌وگو به عنوان یک مسأله‌ی مهم اجتماعی، جای خود را پیدا کرده و متفکران به بررسی و تحلیل آن پرداختند.

از آن جا که مفاهیم مختلف با لغات بیان می‌شود، گاهی با یک لغت کم یا زیاد، یا پس و پیش کردن آن، مفهوم کلام به کلی تغییر می‌کند. این جا گوینده، حب و بغض او، مقاومت ناخودآگاه خواننده، کمتر مطرح است، مخاطب با شخصی در نوشته مواجه است که رابطه‌ی خاصی با آن ندارد. سعدی، مولوی، و ... در آثار خود بسیاری از این شخصیت‌ها را ساخته‌اند که ما ضمن مطالعه‌ی آثارشان با آن‌ها ارتباطی آگاهانه و لذت‌بخش را احساس می‌کنیم. بسیاری از سخنان آنان، پیام‌هایی برای زندگی ما دارند. در واقع دیدگاه‌ها و تجربیاتشان درباره‌ی زندگی درس‌های آموزنده‌ای است که به صورت نظم، نثر و گفتار برجای مانده است.

گفتنی است که یکی از مواردی که به درک ما از آثار کهن، کمک می‌کند، بررسی عناصر داستانی در آثار کلاسیک است. سعدی از جمله نویسندگانی است که ضمن بیان تجربیات و اندوخته‌هایش به کاربرد عنصر گفت‌وگو در حکایات توجه ویژه‌ای معطوف داشته است. اکثر حکایات گلستان در قالب موضوعات و مضامین اخلاقی، حکمی، دینی، تعلیمی و ... به صورت گفت‌وگو پرداخته شده‌اند.

در این پایان‌نامه به بررسی عنصر گفت‌وگو در حکایات گلستان می‌پردازیم، تا ضمن تبیین سبک داستان-پردازانه‌ی سعدی، بتوانیم با مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و ابعاد پوشیده و مبهم شخصیت‌ها و اقشار مختلف از طریق گفتارشان، آشنا گردیم.

۱-۲- تعریف مسأله و فرضیات

ادبیات کلاسیک ایران، شامل مجموعه‌های نظم و نثر است که هر یک به سبب شمول مفاهیم مربوط به حیات انسان، مستلزم بحث و بررسی است. گلستان سعدی یکی از این آثار است که حاوی مطالب گسترده و جامع، در زمینه‌های متفاوت است. این کتاب به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌اش در رأس آثار مهم زبان فارسی بوده است و مقالات و کتب زیادی در خصوص آن نوشته‌اند، اما این کتاب ارزشمند را می‌توان از جنبه‌ی دیگری نیز نگریست و آن بررسی گلستان از منظر عناصر داستانی طبق نظریات محققان و نویسندگان معاصر است.

یکی از این عناصر مهم که در حکایات گلستان قابل موشکافی و تحلیل است، عنصر «گفت‌وگو» است. زیرا «گفت‌وگو جزء مهمی از زندگی است، نویسنده برای این امر باید به اشخاص داستان خود زندگی بدهد. زیرا، مردم، خصوصیات و طرز تفکر خود را از خلال گفته‌های خود بروز می‌دهند. گفت‌وگو نشان دهنده‌ی ذهنیات و خصوصیات شخص است» (یونسی، ۱۳۸۲: ۳۴۷-۳۴۹)

«گفت‌وگو بخشی از روایت است که ممکن است میان اشخاص رد و بدل شود یا در ذهن شخصیت واحدی رخ دهد» (داد، ۱۳۸۷: ۴۰۶) «صحبتی را که میان شخصیت‌ها یا به طور گسترده‌تر، در افکار شخصیت واحدی در هر کار ادبی صورت می‌گیرد «گفت‌وگو» می‌نامند» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۶۶). گفت‌وگو باید در خدمت کلیت داستان قرار بگیرد. «اگر گفت‌وگوهای داستانی با توجه به شرایط کلی و فضای حاکم بر اثر و تناسب شخصیت‌ها با موضوع، لحن و صحنه شکل بگیرند، اثر را به درجه‌ی بالایی از هنر سوق می‌دهند و این مسأله به میزان قدرت نویسنده بستگی دارد» (سلاجقه، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

گفت‌وگو و دیالوگ یکی از عناصر مهم داستان است. «کیفیت در گفت‌وگو مطرح است و کیفیت یعنی که سخن آیینی‌مرد سخنگو باشد. یعنی مطابقت کند با خصوصیات روحی، اخلاقی و اجتماعی افراد داستان» (یونسی، ۱۳۸۲: ۲۹).

گلستان سعدی یکی از بهترین نمونه‌های نثر مسجع است که در قالب حکایات نوشته شده است، این حکایات خصوصیات داستانی دارند، در این داستان‌ها گفتار قهرمانان و شخصیت‌ها بیش از رفتار آنان، معرف ظاهر و باطن آنان است. از آن جا که عناصر داستانی در یک داستان خوب و منسجم به یکدیگر متصل بوده و از جهاتی از هم متأثرند، می‌توان به بررسی این عنصر در رابطه با سایر عناصر داستانی پرداخت. در این گونه از بررسی می‌توان نقش گفت‌وگو را در پرداخت شخصیت‌ها، بسط آن‌ها و نیز هویت‌بخشی به آن‌ها تحلیل کرد. هر یک از شخصیت‌ها با لحن و نوع گفتار مخصوص به خود بخشی از حکایت را پیش می‌برند. اما نهایتاً می‌بینیم که نوع گفت‌وگوی هر شخصیت در شکل‌دهی هویت وی، تصویر وی و عملکرد وی نیز مؤثر است.

نظر بزرگان و صاحب‌نظران این فن، این است که: «یکی از راه‌های شناخت ادبیات سنتی فارسی، بررسی آن با شیوه‌های علمی جدید بر روی متون روایی است. نتیجه‌ی کار بست چنین شیوه‌هایی علاوه بر احیای سنت‌های داستان قدیم، به شناخت هرچه بیشتر ساختار روایی متون و کشف شگردهای اصلی داستان‌پردازی نویسندگان و تبیین نقاط ضعف و قوت آثار آن‌ها منجر می‌شود» (غلام، ۱۳۸۲: ۱۷).

می‌دانیم که «گفت‌وگو معرف شخصیت‌های داستان است و معمولاً به عنوان یکی از ابزارهای شخصیت‌پردازی به کار می‌رود» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۶۶). اگر نویسنده عنصر گفت‌وگو را در اثر خود به خوبی انعکاس دهد، به پویایی، جذابیت و تازگی اثر خود می‌افزاید و با کار استادانه، دقیق و ماهرانه می‌تواند سایر عناصر داستانش را نیز زیباتر و واقعی‌تر جلوه دهد.

از آن جا که «گفت‌وگو به عنوان یکی از عناصر داستانی، غالباً از طریق بحث، جدل، منطق و استدلال شکل می‌گیرد، می‌تواند نقش بسزایی در پیش‌برد داستان و معرفی ابعاد مختلف اخلاقی، رفتاری و شخصیتی اشخاص آن

داشته باشد و به تکوین داستان سرعت ببخشد. از حیث محتوایی نیز وجود گفت‌وگویی که به مبادله‌ی افکار و عقاید بینجامد و بسطی طبیعی و منطقی داشته باشد، می‌تواند نشانگر فضای باز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد» (غلام، ۱۳۸۲: ۳۵).

گلستان نیز به دلیل دارا بودن زبان خاص و لطیف سعدی، یکی از عالی‌ترین نمونه‌های نثر سهل و ممتنع است و همچنین مفهوم و محتوای عمیقی که در اکثر حکایات آن به چشم می‌خورد، برای بررسی انتخاب شده است. زیرا «گفت‌وگو احساس طبیعی و واقعی بودن را به خواننده می‌دهد، بی‌آن که در واقع طبیعی و واقعی باشد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۷۱).

اکنون برای این که بتوانیم نسبت به آثار کلاسیک ادب فارسی، به شناخت بهتر و بیشتری دست یابیم، باید این آثار را با روش‌های علمی جدید بررسی کنیم. این روش‌ها امروزه از اهمیت بسیاری برخوردار است و اغلب آثار نویسندگان معاصر، براساس آن‌ها ارزش‌گذاری می‌شود، ما در نتیجه‌ی استفاده از این ابزار و فنون، با معیار داستان‌نویسی قدیم آشنا خواهیم شد.

این پژوهش فرصتی فراهم می‌کند تا نقش گفت‌وگو در ایجاد متنی قوی و محکم چون گلستان مشخص شود. ما برآنیم با استفاده از عنصر گفت‌وگو بتوانیم افکار، خُلقیات و درونی‌های اشخاص داستان را در حکایات بهتر شناسایی کنیم. از آن‌جا که گفت‌وگو حجم گسترده‌ای از متن را به خود اختصاص داده است، به عنوان بخش قابل توجهی از کلیت داستان قابلیت بررسی و تحلیل جداگانه دارد، ما سعی داریم به کمک این عنصر به تحلیلی از شخصیت‌های گلستان که تاکنون مجهول و ناشناخته مانده است، دست یابیم. این موارد با بررسی جزئی‌تر با ذکر شواهدی از گلستان توضیح داده می‌شود.

درباره‌ی هنر داستان‌نویسی و آشنایی سعدی با عناصر داستان به ویژه در کتاب گلستان به ندرت می‌توان مطلب شایان توجهی یافت. این پژوهش می‌کوشد تا همه‌ی حکایات گلستان را با توجه به یکی از مهم‌ترین عناصر داستان، یعنی عنصر گفت‌وگو بررسی نماید. تاکنون هیچ پژوهشی (کتاب یا رساله) در مورد بررسی عنصر گفت‌وگو در گلستان سعدی انجام نگرفته است و این موضوع کاملاً جدید است.

۱-۳) سؤالات این پژوهش عبارتند از

- عنصر گفت‌وگو در حکایت‌های گلستان چگونه می‌تواند در پیش‌برد حکایت‌ها و رسیدن به نتایج اخلاقی نقش مؤثر داشته باشد؟

- آیا سعدی از گفت‌وگو به عنوان عاملی برای روایی کردن اثرش استفاده می‌کند؟

- آیا گفت‌وگوها در اثر او در خدمت شخصیت‌پردازی قرار گرفته‌اند یا خیر؟

- از آن‌جا که گفت‌وگو معرف شخصیت‌های داستان است آیا می‌توان از خلال گفت‌وگو به ذهنیت شخصیت اجتماعی و روانی اشخاص در گلستان دست یافت؟

- آیا عنصر گفت‌وگو می‌تواند برای پویایی و تحرک بخشیدن در حکایات گلستان مفید واقع شود؟

- آیا گفت‌وگوهایی که در گلستان وجود دارد به طور مستقیم فکر و اندیشه‌ی نویسنده را منتقل می‌کند یا به وسیله‌ی حدس و گمان باید منظور نویسنده را از خلال اثر دریافت؟

۱-۴) هدف و ضرورت تحقیق

با وجود این که در طول زمان، همواره به گلستان صرفاً به عنوان یک اثر تعلیمی نگریسته شده که عموماً شامل حکایاتی کوتاه و به اصطلاح امروز مینی‌مالیستی است که فقط به منظور مطالعه در هنگام فراغت و کسب لذت از زبان گیرا و حکایات جذاب و دل‌چسب آن به کار می‌آید، از آن‌جا که تعداد شخصیت‌ها نیز در آن کم است، در

نتیجه وقایع و رویدادهای کمتری نیز در آن رخ می‌دهد، حتی خوانندگان مبتدی نیز در روند مطالعه‌ی آن دچار تحیر و سردرگمی نمی‌شوند و چه بسا که در مواردی با مطالعه‌ی برخی از حکایات از آن‌ها کسب عبرت می‌کنند و بسا بهره‌ها که از این طریق عایدشان می‌گردد.

در چند دهه‌ی اخیر اغلب آثار سعدی و در صدر آن‌ها گلستان، از زوایای مختلف مورد پژوهش و تحقیق واقع شده و لیکن تاکنون بررسی عنصر گفت‌وگو و انطباق آن با سایر عناصر داستانی از جمله شخصیت‌پردازی پنهان و پوشیده مانده است.

موضوع این پژوهش فرصتی فراهم می‌کند تا نکاتی فراتر از مسائل اخلاقی، تعلیمی و حکمی که همواره از گلستان انتظار می‌رفته را نشان دهیم، و این نگاه تک‌بعدنگر به گلستان که در طول سالیان متمادی وجود داشته را برطرف کنیم. بررسی عنصر گفت‌وگو به عنوان جزئی مهم از عناصر داستان که غالباً پیکره‌ی اصلی هر اثر ادبی بر پایه‌های آن بنا نهاده شده، به طور عام در اکثر آثار کلاسیک فارسی و البته به طور اخص در گلستان در طول زمان مبهم و ناشناخته مانده است.

در این رساله بررسی شخصیت‌های حکایات تنها از منظر عنصر گفت‌وگو مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت، زیرا که گمان ما بر این است که سعدی، استاد چیره‌دست سخن‌پردازی، با عناصر داستانی آشنا بوده و توانسته عنصر گفتار را در اثرش به خوبی بازتاب دهد. همین عامل انگیزه‌ای شد تا جنبه‌های پنهان این کتاب را دریابیم و لایه‌های مبهم اندیشه‌ی وی را از راه به کارگیری عنصر گفت‌وگو نشان دهیم.

این روش، خوانندگان حکایات قدیمی را بر آن می‌دارد تا با نگاهی متفاوت به سراغ قصص و حکایات قدیمی بروند و با درک عمیق‌تری با آن‌ها رابطه برقرار کنند؛ البته بررسی جزئی‌تر و موشکافانه‌تر حکایات کهن، به ما فرصت می‌دهد تا اصول، قوانین و آئین‌های زندگی فردی و جمعی شخصیت‌های حکایات را دریابیم، که در اثر این دقیق‌نگری، نوع بینش و تفکر نویسنده در ابداع و خلق این گونه آثار یقیناً برای ما آشکار خواهد شد.

۱-۴-۱) اهداف تحقیق

- تبیین عنصر گفت‌وگو در پیدایش و ساخت گلستان
- آشنایی بیشتر با درون‌مایه و محتوای هنری و عمیق گلستان.
- آشنایی با هنر داستان‌پردازی سعدی در ایجاد و خلق حکایات‌های تازه.
- ایجاد انگیزه و رغبت برای علاقه‌مندان به ادبیات فارسی برای مطالعه آثار منثور سعدی.
- بررسی عنصر گفت‌وگو طبق تعاریف معاصرین در اثر کلاسیک گلستان.

۱-۵) پیشینه‌ی تحقیق

گلستان سعدی یکی از برجسته‌ترین آثار منثور ادب فارسی است که به دلیل نثر سلیس و روان آن، همواره مورد توجه عموم مردم و مخصوصاً ادب‌دوستان قرار گرفته است؛ به همین دلیل پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی شناخت تفکر و سبک سعدی در قالب کتاب و مقاله انجام شده است. اگرچه نقد و تحلیل آثار سعدی فراوان، توسط محققان صورت گرفته است و لیکن مهارت و توانایی سعدی در کاربرد عناصر داستانی مستور و پوشیده مانده است و اغلب کسانی که به بررسی عناصر داستان می‌پردازند، به دنبال جست‌وجو و کاوش این عناصر در آثار

معاصر هستند، لذا در مورد موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی نوشته نشده است. البته می‌توان به پایان-نامه‌ها و مقالات زیر پیرامون تحلیل و بررسی عناصر داستانی در سایر آثار ادبی اشاره کرد. از جمله کسانی که به کار در این زمینه پرداخته‌اند عبارتند از:

- سعادت (۱۳۸۷)، در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود در دانشگاه محقق اردبیلی به راهنمایی دکتر محمد یآوری به بررسی عنصر گفت‌وگو در ساختار روایی آثار سیمین دانشور پرداخته است. وی ابتدا به معرفی داستان کوتاه و رمان، انواع گفت‌وگو و تعریف آن و سایر عناصر داستانی پرداخته است. همچنین به نقش گفت‌وگو در شکل‌بخشی به سایر عناصر داستانی از جمله لحن، صحنه، شخصیت و... پرداخته است. وی همچنین در ضمن کارش به بحران، گره‌گشایی و تعلیق اشاره کرده است، در رساله‌ی وی جزئیات گفت‌وگو از جمله زمینه‌چینی، ضرباهنگ و ریتم در سطح متن مورد بررسی قرار گرفته است.

- دکتر محمودی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی روایت در بوف کور» به بررسی انواع گفت‌وگوها از جمله جریان سیال ذهن، تک‌گویی درونی، لایه‌ی پیش‌گفتار ذهن پرداخته است. وی ابتدا تاریخچه‌ای از جریان سیال ذهن ارائه کرده و سپس به تعریف، چگونگی و شکل‌گیری آن پرداخته است، در ادامه به تشریح تک‌گویی درونی پرداخته و هر یک از این موارد را در بوف کور بررسی و تحلیل کرده است.

- دکتر فلاح (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «گفت‌وگو در شاهنامه» گفت‌وگو را به عنوان مهم‌ترین شگرد در حوزه‌ی ادبیات داستانی کلاسیک اعم از منثور و منظوم بررسی کرده است. وی ابتدا به تعریف گفت‌وگو و کارکردهای آن پرداخته است، سپس گفت‌وگوهای شاهنامه را به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده و برای هر یک از شاهنامه ابیاتی را به عنوان شاهد ذکر می‌کند.

- دکتر دادخواه و جمشیدی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی عنصر «گفت‌وگو» در مقامات حریری و حمیدی پرداخته‌اند. در این مقاله ابتدا تعریفی از مقامه و عنصر گفت‌وگو ارائه شده سپس اهمیت این عنصر را در مقامات، تنوع بخشیدن به ساختار و محتوای داستان، نمایش ذهنیات و ویژگی‌های شخصیت‌ها را بررسی کرده‌اند. همچنین انواع گفت‌وگو و آمیختگی گفت‌وگو با کنش و نقش گفت‌وگو در متمایز نمودن شخصیت‌ها در سطح متن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

- شفیعی (۱۳۸۵)، در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود در دانشگاه الزهرا به راهنمایی دکتر تقی پورنامداریان، به بررسی گفت‌وگو در داستان‌های مثنوی معنوی پرداخته است. وی گفت‌وگو را به عنوان مهم‌ترین عنصر داستان بررسی نموده، همچنین رابطه‌ی گفت‌وگو را با دیگر عناصر داستان و همچنین انواع گفت‌وگو را بررسی نموده است. وی نحوه‌ی تأثیر گفت‌وگو در داستان‌هایی کلاسیک را ارزیابی کرده است، اما از عنوان کار معلوم است که ربطی به موضوع بنده ندارد.

- عباسی (۱۳۸۵)، در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تربیت معلم با راهنمایی دکتر محمد فتوحی به بررسی روایت و ساخت حکایات کوتاه صوفیانه و داستان‌های تاریخی بر مبنای نظریه‌ی داستان کوتاه در (اسرارالتوحید و تاریخ بی‌هقی و...) پرداخته است. وی ابتدا به مبانی نظری داستان کوتاه، ویژگی‌های داستان کوتاه، چون موضوع، درون‌مایه، گفت‌وگو، لحن، زاویه‌ی دید و فضا پرداخته است. این نوشته می‌تواند یک تجربه باشد اما ربطی به این موضوع ندارد.

- خدادادی مهاباد (۱۳۸۳)، در رساله‌ی دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر حسین‌علی قبادی به بررسی مقایسه‌ی نیایش و گفت‌وگوی انسان و خدا در شاهنامه و مثنوی وی می‌پردازد. وی در رساله‌ی خود نیایش و گفت‌وگوی انسان و خدا در مثنوی، حکایات با مرکزیت نیایش و گفت‌وگوی انسان و خدا، گفت-

وگوهای مستقیم و غیرمستقیم، انواع گفت‌وگو، مراحل تحول و کمال گفت‌وگو از نظر مولانا، مواضع نیایش و گفت‌وگو انسان و خدا، گفت‌وگوها و منابع نیایش و گفت‌وگوی انسان و خدا در شاهنامه و همچنین کارکرد و رویکرد نیایش و گفت‌وگو و همچنین ماهیت نیایش و گفت‌وگو را بررسی کرده است. این نوشته نیز به عنوان یک تجربه‌ی کاری مطرح است و مسلماً با گلستان سعدی ارتباطی ندارد.

- دادخواه تهرانی (۱۳۸۳)، در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود به راهنمایی دکتر سید جمال‌الدین مرتضوی در دانشگاه یزد، به تحلیل زبان روایت در تاریخ بیهقی پرداخته است. وی فصل سوم رساله‌ی خود را به بررسی روایت، گوهر مشترک در تاریخ قصه، رویدادنگاری در تاریخ بیهقی، چگونگی لحن و گفت‌وگو در تاریخ بیهقی پرداخته است. این رساله هم به عنوان یک تجربه در متنی مشابه، مطرح است نه به عنوان یک کار مرتبط با موضوع رساله‌ی من.

- سلاجقه (۱۳۸۳)، در کتاب «صدای خط خوردن مشق» به بررسی ساختاری و نقد تأویلی آثار هوشنگ مردای کرمانی پرداخته است. کتاب او به دو فصل تقسیم می‌شود: وی در فصل اول کتابش به بررسی کلی آثار مردای، زبان آثار او، عملکرد زبان در محور افقی، لحن، شخصیت‌سازی، فضا، صحنه و گفت‌وگو پرداخته است. و نقش عنصر گفت‌وگو را در مؤفقیت فضا و صحنه‌سازی در داستان عاملی مؤثر و مهم تلقی می‌کند. بخشی از این کتاب به عنوان الگویی برای بررسی «گفت‌وگو» می‌تواند مطرح باشد اما با کار من فاصله‌ی بسیار دارد.

فصل دوم

تعاریف، مواد و روش تحقیق

۲-۱- داستان^۱

«داستان یک چیز ابتدایی است و مربوط به انسان‌های اولیه است و قدمت آن به مبادی ادبیات می‌کشد، به پیش از اختراع خط و کتابت.» (فورستر، ۱۳۸۴: ۴۲) به همین دلیل داستان اصطلاحی است که تاکنون تعاریف مختلفی از آن ارائه شده و هر یک وجهی از ماهیت آن را روشن می‌سازد. نوبل، بر این باور است که «داستان چیزی است که مخلوق یا مصنوع تخیل و ابداع است و آن را در برابر حقیقت و واقعیت قرار می‌دهد» (نوبل، ۱۳۸۸: ۷۷) اما پک معتقد است «داستان از زندگی سخن می‌گوید» (پک، ۱۳۶۶: ۳۲) و غالباً «رابطه‌ی افراد و جامعه را تثبیت و تشریح می‌کند» (همان: ۱۷) فورستر از داستان با عنوان «ساده‌ترین ارگانیزم ادبی یاد می‌کند و آن را نقل وقایع به ترتیب توالی زمانی می‌داند» (فورستر، ۱۳۸۴: ۴۲) ام. اچ. ابرامز، بر این عقیده است که؛ «داستان به هر روایت منثوری که در آن فرآیند بازآفرینی یا آفرینش حقیقی تاریخی یا واقعی رخ داده باشد اطلاق می‌شود» (مستور، ۱۳۸۶: ۷) ما تعریف زیر را به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین تعریف می‌پذیریم: «داستان روایتی منثور از بازآفرینی وقایعی درباره‌ی اشخاص است به گونه‌ای که موجد انتظار و صمیمیت باشد» (همان: ۷) هدف داستان‌ها غالباً این است که آگاهی و درک بیشتری از زندگی به خواننده ارائه دهد. به عبارت دیگر «داستان، زندگی را تفسیر می‌کند، خواه هنگامی که بینش جدیدی به مخاطب دهد یا بینش‌های قدیمی را گسترش داده یا مجدداً آن‌ها را احیا کند» (پرین، ۱۳۷۸: ۶۳)

۲-۲- قصه^۲

قصه شامل آثاری است که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده و اعمال قهرمانی است. به عبارت دیگر «قصه حاصل جمع بن‌مایه‌ها با توالی علی- زمانی است» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۱۶) و آن نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی است. ارزش‌های سنتی، زمینه‌های فرهنگی، روان‌شناختی و همچنین حوادث و سوانح اجتماعی جدید در آن انعکاس می‌یابد» (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵). «از مشخصات عمده‌ی قصه‌ها، مطلق‌گرایی، نمونه-ی کلی خصلت‌های بشری، ایستایی قهرمان‌ها، زمان و مکان مبهم و فرضی، همسانی قهرمان‌ها، اعجاب‌انگیزی و کهنگی است» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۱۰۳-۹۷) البته خصایص دیگری را نیز برای قصه‌ها برمی‌شمارند که عبارتند از: بار تخیلی قوی، برخورداری از شکلی ساده، دور بودن از نثر ادیبانه، نحوه‌ی بیان روایتی، دارا بودن زبان محاوره و وجود قهرمان‌های تک‌بعدی و پرماجرا» (نقل با تلخیص از انوشه، ۱۳۷۶: ۱۱۲۱)؛ این موارد قصه‌ها را از داستان کوتاه و رمان جدا می‌سازد.

۲-۳- داستان کوتاه^۳

داستان کوتاه شکل هنری نوینی در ادبیات داستانی به شمار می‌آید. تاکنون تعاریف متعددی از آن ارائه شده است.

1. Story

2. Tale

1. Short story